

Superficial Approach of Contemporary Salafism to the Interpretation of Religious Texts and Its Social Consequences

Ali Fathi*

(Received on: 2020-06-24; Accepted on: 2020-08-09)

Abstract

The superficial approach of Salafism, especially contemporary Salafism, to the interpretation of religious texts has resulted in harmful social and political consequences for the Islamic community as well as the world society. The most important of these consequences in the social arena are as follows: casting doubts on the beliefs within Islamic societies, intensifying religious and sectarian differences, widespread excommunication of opponents, promotion of petrification, opposition to the convergence of Islamic denominations, and preventing the formation of the Islamic community. This research, using the descriptive-analytical method based on discourse analysis, studying and examining the scientific works of the great Salafi scholars and following their practical actions in the Islamic community, comes to the conclusion that the superficial, irregular, and exclusivist interpretation of the fundamental concepts of Islam such as monotheism, faith, polytheism, disbelief, and heresy by the extreme Salafis has been the source of division and the main factor in the creation of intra-religious sects as well as excommunication groups. As a result, this kind of interpretation has provided the basis for the scenario of Islamophobia in the world, more than ever before.

Keywords: Contemporary Salafism, Religious Texts, Faith, Excommunication, Heresy, Intra-religious Sectarianism, Islamophobia.

* Associate Professor, Department of Quranic Studies, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran, afathi@rihu.aci.ir.

سطحی‌نگری سلفیه معاصر در تفسیر متون دینی و پیامدهای اجتماعی آن

علی فتاحی*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۹]

چکیده

رویکرد قشری سلفیه، به‌ویژه سلفیه معاصر، در تفسیر متون دینی، پیامدهای اجتماعی و سیاسی زیانباری برای جامعه اسلامی و نیز جامعه جهانی در پی داشته است. در عرصه اجتماعی، شبهه‌افکنی در اعتقادات درون جوامع اسلامی، تشدید اختلافات مذهبی و فرقه‌ای، تکفیر گسترده مخالفان، ترویج تحجرگرایی، مخالفت با تقریب مذاهب اسلامی و در نتیجه جلوگیری از شکل‌گیری امت اسلامی از مهم‌ترین این پیامدها است. این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی بر اساس تحلیل گفتمان، با مطالعه و بررسی آثار علمی دانشمندان بزرگ سلفیه و پی‌گیری اقدامات عملی‌شان در جامعه اسلامی به این نتیجه می‌رسد که تفسیر سطحی، بدون ضابطه و انحصارگرایانه سلفیه افراطی از مفاهیم محوری اسلام مانند «توحید»، «ایمان»، «شُرک»، «کفر» و «بدعت»، بن‌مایه تفرقه و عامل اصلی فرقه‌سازی درون مذهبی و تشکیل گروه‌های تکفیری بوده و در نتیجه زمینه و بستر سناریوی اسلام‌هراسی را در جهان، بیش از پیش، فراهم کرده است.

کلیدواژه‌ها: سلفیه معاصر، متون دینی، ایمان، تکفیر، بدعت، فرقه‌سازی درون مذهبی، اسلام‌هراسی.

مقدمه

«سلفیه» منسوب به «سلف»، در اصطلاح عام و سنتی به معنای پیروی از سلف، یعنی صحابه، تابعان و پیروان تابعان در اندیشه و عمل است؛ «سلفی» به افراد پیرو سلف، و «سلفیه» به اعتبار خود این فکر و جریان اطلاق می‌شود. البته «سلفیه» در اصطلاح جدید، بیشتر ناظر به دو جریان سلفیه وهابی و سلفیه اصلاحی است. سلفیه وهابی با سلفیه سنتی و سلفیه اصلاحی، از نظر بنیان فکری و شیوه عملی تفاوت‌های اساسی دارد. از نظر بنیان فکری، سلفیه معاصر افراطی خود را تنها فرقه نجات‌بخش و مذهب صحیح اسلامی می‌شمارد. با توجه به این اندیشه بنیانی، سلفیه وهابی از منظر رویکرد عملی نیز رویکرد افراطی دارد، دیگر مذاهب و فرقه‌های اسلامی را گمراه و منحرف می‌داند و پیروانشان را تکفیر می‌کند.

رویکرد سطحی‌نگر سلفیه افراطی معاصر در تفسیر متون دینی، یعنی قرآن کریم، روایات و سنت نبوی، به رغم عَلم‌کردن شعارهای آرمانی همچون بازگشت به اسلام نخستین، مبارزه با گسترش خرافه‌ها و بدعت‌ها در جامعه اسلامی و مانند آن پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیانباری را برای جامعه اسلامی و حتی جامعه جهانی در پی داشته است که شبهه‌افکنی در اعتقادات درون جوامع اسلامی، اعمال خشونت‌آمیز با استناد بی‌ضابطه به آیات و روایات، تشدید اختلافات مذهبی و فرقه‌سازی درون مذهبی، تکفیر گسترده مخالفان، خردستیزی، تحجّرگرایی، ترویج سطحی‌نگری، مخالفت با تقریب مذاهب اسلامی، تقویت اسلام‌هراسی و در نتیجه جلوگیری از شکل‌گیری وحدت امت اسلامی از مهم‌ترین این پیامدها در عرصه فرهنگی و اجتماعی است.

به رغم آنکه درباره جریان سلفیه و ابعاد گوناگون آن به صورت پراکنده، فراوان نوشته شده، اما نظر به اهمیت و اثرگذاری این جریان و پیامدها و آثار آن در جامعه اسلامی، هنوز جای سخن‌گفتن بسیار است؛ به‌ویژه آنکه پیامدهای اجتماعی این فکر

قشری‌نگر، به صورت مستقل، درخور و بر اساس منابع اصلی آن واکاوی نشده است. این نوشتار در صدد است بر اساس روش توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل گفتمان با تکیه بر آثار و اندیشه‌های افراد برجسته این جریان و تطبیق نمونه‌های عینی آن، مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی آن در جامعه اسلامی را بکاود.

مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی سطحی‌نگری سلفیه

۱. تکفیر و تشکیل گروه‌های تکفیری

«تکفیر» از ریشه «کفر» در اصل به معنای پوشاندن و زدودن است (ابن‌فارس، ۱۳۸۷: ۱۹۱/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱۷) و در دو زبان عربی و فارسی به معانی گوناگونی، از جمله پاک‌کردن گناهان و ابطال عقاب به کار رفته است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۲۱۶/۲؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۶۰۵۳/۴). «تکفیر» در اصطلاح کلام و فقه به معنای نسبت‌دادن کفر به مسلمان است. وجه نام‌گذاری سلفیه تکفیری نیز آن است که آنها مخالفانشان را کافر می‌شمرند.

هرچند مسئله تکفیر یک امر خطیر اعتقادی است ولی از یک سو به سبب بروز و نمود آن در جامعه اسلامی به عنوان پیامد اجتماعی نگرش قشری سلفیه معاصر، قابل مطرح‌شدن است، و از سوی دیگر، این مسئله هرگز به عنوان اعتقادی محض در ضمیر پیروان سلفیه نمانده و به تدریج در درون خود، گروه‌های تکفیری تروریستی را در جامعه اسلامی پرورانده است که آثار زیانبار جانی و مالی سیاسی و اجتماعی جبران‌ناپذیری را برای جامعه اسلامی در پی داشته است.

تکفیر گسترده مخالفان از سوی جریان سلفیه، ناشی از خطای بزرگ آنان در تفسیر بی‌ضابطه واژه‌های کلیدی مانند «توحید»، «شُرک»، «ایمان»، «کفر» و مانند آن است. مسلمانان با وجود اختلافات در برخی از مسائل، در ایمان به اصل «توحید» هیچ اختلافی نداشته‌اند. سلفیه، به‌ویژه ابن‌تیمیه، تفسیری از مفاهیم کلیدی مانند «توحید»

پیش کشیدند که قبل از آن مطرح نبوده است (ابن تیمیه، ۲۰۰۶: ۱۸۴؛ ابوزهره، ۱۹۹۶: ۱۹۲). ابن تیمیه مدعی است تبیین فیلسوفان و متکلمان از توحید، هیچ نسبتی با توحید الاهی ندارد (ابن تیمیه، ۱۹۹۳: ۶۴/۲). بر پایه تفسیر قشری ابن تیمیه و به تبع وی سلفیه وهابی، بسیاری از عقاید و اعمال جاری مسلمانان، مانند توسل به بندگان خاص خدا، زیارت روضه شریفه و دعا روبه‌روی مضجع شریف پیامبر اکرم (ص) یا اولیای الاهی، در شمار اعمال شرک‌آمیز قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۲/۱؛ اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۷۰/۱).

ابن تیمیه با متهم کردن مخالفان به شرک به بهانه توسل به رسول گرامی و اولیای الاهی می‌گوید هر کس کنار قبر پیامبر (ص) یا یکی از افراد صالح بیاید و از آنها بخواهد که بیماری‌اش را شفا دهند یا قرض او را ادا کنند، مشرک است؛ زیرا هیچ‌کس جز خداوند قدرت بر انجام دادن اعمالی این‌چنین ندارد. پس واجب است چنین شخصی را وادار به توبه کنند، و اگر توبه نکرد، باید کشته شود (امین، ۱۴۳۲: ۲۱۴). ابن عثیمین دعا نزد قبور را شرک اکبر و موجب ارتداد دانسته (ابن عثیمین، ۱۴۲۶: ۲۳۳/۲)، همچنین بر آن است که توسل بر اساس آیات ۲۱ شوری و ۳۱ توبه سبب شرک است (همان: ۳۴۱).

مسئله تکفیر، با همه فراز و فرودهایش، از صدر اسلام تاکنون وجود داشته است. در سده نخست هجری، بسیاری از فرقه‌های خوارج، با پندار وابستگی ایمان به عمل، مرتکب گناه کبیره را تکفیر می‌کردند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱۲۲/۱، ۱۲۸ و ۱۳۵). خوارج همه کسانی را که به حکمیت رأی داده و به آن راضی شده بودند، از جمله امام علی (ع)، را تکفیر، و خونشان را مباح اعلام کردند و در نهایت با حربه تکفیر، آن حضرت را به شهادت رساندند (بغدادی، ۱۴۲۴: ۲۷، ۷۸). در قرن سوم هجری، برهاریه مخالفان خود را به تکفیر متهم کردند و در قرن هشتم هجری، ابن تیمیه و پیروان سرسختش قلمرو تکفیر را گسترده‌تر کردند (مشعبی، ۱۴۱۸: ۸۵-۸۷؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۷: ۳۷/۲؛ ابی‌العزّ الحنفی، بی‌تا: ۲۲۵). در دوران اخیر نیز محمد بن عبدالوهاب، مسلمانان مخالف‌نگرش خودش را مشرک و کافر شمرد. بر این اساس، دولت سعودی وهابی، در سال ۱۱۵۹ ه.ق، همه کسانی را

که با وهابیت در تفسیر کلمه توحید اتفاق نظر نداشتند کافر، مشرک و مرتد شمرده و رسماً بر ضد آنها اعلام جهاد کرد (الگار، ۲۰۰۶: ۲۶؛ خطیب، ۱۴۳۲: ۱۸۸). این جریان تکفیری با صدور فتاوی خاص در انجمن دائمی افتا، یک‌سوم، بلکه نصف جامعه اسلامی را به بهانه‌های مختلف تکفیر کردند. آنها حتی همه دولت‌ها و کشورهای اسلامی را که حاکمانشان شریعت را مطابق میل سلفیه اجرا نمی‌کردند بلاد کفر دانستند (مالکی، ۱۴۳۵: ۱۶۳-۱۶۸؛ الدویش، بی‌تا: ۷۷/۱ و ۵۱/۱۲). جریان سلفیه تکفیری به تبع شیوخ سلفیه، از جمله ابن تیمیه، منکران رؤیت خدای متعال در روز رستاخیز و همه متکلمان و صوفیه را به کفر متهم کردند (محمد نصیر، بی‌تا: ۱۱۲/۱).

ابن تیمیه و به تبع وی سلفیه، با استناد به آیاتی همچون «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ» (احقاف: ۵-۶)، «وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ» (فاطر: ۱۳-۱۴) و «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» (زمر: ۳)، بخش اعظم مسلمانان را از دایره اسلام خارج دانستند.

از نظر سلفیه افراطی، هر فرقه‌ای از فرقه‌های اسلامی، چه شیعه و چه سنی، که با آنها مخالفت کنند، اگر بدتر از کافران و مشرکان نباشند، با آنها برابرند. سلفیه از راه کتاب‌های درسی، به کودکان و دانش‌آموزان القا می‌کنند: «این مشرکان از تبار جهیمیه، معتزله، رافضه و اشاعره هستند» (فوزان، بی‌تا: ۴۵). ابن تیمیه در *منهاج السنه* به شدت به شیعه حمله کرده و نسبت‌های ناروایی به شیعه داده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۳۸/۱-۵۷). از نظر ابن عثیمین، مفسر معاصر سلفی، واجب است نصوص کتاب و سنت بر همان معانی ظاهری حمل شود. از این‌رو، وی از روش تأویل‌گرایان و قائلان به تعطیل و اهل تمثیل اعلان بیزاری کرده است (ابن عثیمین، ۱۴۰۴: ۶).

رویکرد تکفیری افراطی محمد بن عبدالوهاب موجب شد برخی همه جوامع اسلامی را تکفیر کنند. مثلاً شکرى مصطفی (۱۹۴۲-۱۹۷۸)، بنیان‌گذار «جامعه مسلمین» یا «جماعت تکفیر»، حاکمان اسلامی را «کافر» و جامعه امروزی مسلمانان را «جامعه کفار» نامید (صالح، ۱۴۲۰: ۲۰۳-۲۰۴). وی به استناد آیاتی که در مقام نکوهش تقلید کافران از کفر اجدادشان نازل شده، به کفر مقلدان عوام حکم می‌دهد و بدون هیچ ضابطه‌ای این آیات را بر عوام مردم که احکام را از خبرگان و مجتهدان اخذ می‌کنند، تطبیق می‌دهد (شکرى، بی تا الف: ۱۰؛ صالح، ۱۴۲۰: ۲۰۸). روشی که شکرى مصطفی بنیان گذاشت، امروز با شدت بیشتر می‌توان در رهبران فکری سیاسی تکفیری داعش پی گرفت.

فتاوی تکفیری در پس بسیاری از اقدامات تروریستی در کشورهای اسلامی بوده است. نمونه بارز آن در جامعه اسلامی، داعش نوسلفی است که فقه التکفیر را شکل داد. به این معنا که داعش در میدان عمل احساسات خشونت‌گرا را با مبانی اعتقادی در هم آمیخت و خون هزاران مسلمان بی‌گناه را بر زمین ریخت. از نظر داعش، چون اهل سنت پیرو مکاتب اربعه، جهاد را تعطیل کرده‌اند، کافر محسوب می‌شوند؛ تعطیل عملی حکم جهاد به معنای انکار حکم الهی، و انکار حکم الهی مساوی کفر است و کشتن کافر واجب است. جالب آنکه بر پایه این تفکر، چنین قاتلی، مجاهد فی سبیل الله است. چنان‌که ابوبکر ناجی، یکی از شخصیت‌های نوسلفی و از نظریه‌پردازان داعش، در کتاب مدیریت توحش، می‌گوید جهادی که با شدت، ترور و کشتار باشد از راه‌های هدایت خلق است؟! (عبدالمالکی، ۱۳۹۴: ۱۲۵). تکفیر، خسارت‌های جبران‌ناپذیری در جوامع اسلامی در پی داشته و به تشکیل گروه‌های تروریستی در بیشتر کشورهای اسلامی منجر شده است که معروف‌ترین آنها در جدول ذیل می‌آید.

معروف‌ترین گروه‌های تکفیری

گرایش	سال تأسیس	رهبر	کشور	گروه تکفیری
سیاسی مذهبی و آبشخور فکری گروه‌های تکفیری معاصر	۱۹۱۵	محمد بن عبدالوهاب	عربستان سعودی	وهاپیت
تکفیر گسترده مخالفان	۱۹۶۵	شکری مصطفی	مصر	جماعة المسلمين
آبشخور جنبش‌های تروریستی	۱۹۸۸	عبدالله عزام، اسامه بن لادن و ایمن الظواهری	دارای شعبه در سطح جهان	القاعده
شاخه‌ای از القاعده گروه تروریستی	۱۹۹۴	ملا محمد عمر	افغانستان	طالبان
شاخه القاعده؛ گروه تروریستی القاعده فی بلاد المغرب العربی	۱۹۹۶	حسن خطاب نبیل صحراوی	الجزائر	جماعة السلفية للدعوة والقتال
گروه جهادی تروریستی	۲۰۰۱	نجم‌الدین فرج ملا کریکار	شمال عراق	جماعة جند انصار الاسلام
گروه جهادی تروریستی طالبان نیجریه	۲۰۰۲	محمد یوسف ابوبکر الشکوری	نیجریه	بوکوحرام
گرایش به القاعده؛ شبکه القاعده گروه تروریستی	۲۰۰۴	مختار علی الزبیر	سومالی	حركة الشباب المجاهدين (الشباب)
جداشده از القاعده؛ گروه تروریستی	۲۰۰۶	ابوبکر بغدادی	عراق و سوریه	داعش (دولت اسلامی عراق و شام)
شاخه القاعده؛ گروه تروریستی گرایش به داعش	۲۰۱۱	شادی المنیعی	صحرای سینا، فلسطین اشغالی	انصار بیت المقدس

گروه تکفیری	کشور	رهبر	سال تأسیس	گرایش
جبهة النصرة لاهل الشام	سوریه	ابومحمد جولانی	۲۰۱۲	هم‌پیمان و نماینده رسمی القاعده؛ گروه تروریستی
جماعة انصار الشریعة	تونس و لیبی	محمدعلی الزهاوی شیخ ابو عیاض التونسی	۲۰۱۲	گرایش به القاعده؛ گروه تروریستی
الجماعة المغربية المقاتلة	مراکش	سعد الحسینی	۲۰۱۲	شاخه القاعده؛ گروه تروریستی

بررسی و نقد

بررسی و نقد تفصیلی همه استنادها و مصادیق تکفیر، نیازمند پژوهشی مستقل است. در این مجال به تناسب به چند نکته کلی درباره تکفیر سلفیه بسنده می‌کنیم:

۱. ایمان به معنای تصدیق قلبی، امری دارای مراتب است. از منظر اسلام، هر کس اظهار ایمان کند، در قلمرو آیین رحمت اسلامی قرار می‌گیرد و آنگاه که از دین خارج می‌شود نیز نمی‌توان بی‌جهت او را کافر شمرد و بی‌درنگ به قتل رساند؛ از این رو قرآن کریم مؤمنان را از هر گونه شتاب‌زدگی در تکفیر بر حذر داشته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (نساء: ۹۴). از این آیه برداشت می‌شود که سلام کردن نشانه اسلام، و گفتن شهادتین علامت ایمان است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴۰/۵-۱۴۱). رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر کس به اندازه ذره‌ای، ایمان در قلبش باشد، از آتش جهنم نجات می‌یابد». دوستی خدا با ایمان به دست می‌آید و بر اساس آن، مراتبش مشخص می‌شود؛ از این رو در آیین مقدس اسلام هر کس اظهار اسلام کند، در زمره مسلمانان قرار گرفته، جان، مال و ناموسش محترم است. در روایات متعدد در صحاح بخاری و مسلم، شهادتین و پای‌بندی ظاهری به احکام الهی، معیار مسلمانی قلمداد شده است. پیامبر (ص) می‌فرماید مسلمان

کسی است که شهادتین بگوید، نماز بخواند، زکات بدهد، روزه رمضان بگیرد و حج به جا آورد و مانند مسلمانان عبادت بکند و از آنچه آنها می‌خورند، تغذیه کند (بخاری، ۱۴۰۷: ۶۷/۱؛ نیسابوری، ۱۴۰۷: ۷۳/۱). بنابراین، اصل حکم به ظاهر، یکی از اصول مشهور میان عالمان مسلمان است.

۲. با توجه به خسارت‌های جبران‌ناپذیر مالی و جانی مسئله تکفیر و گروه‌های تکفیری در جامعه اسلامی، نمی‌توان شتاب‌زده، بدون ضابطه و فقط با نگاه تعصب‌آمیز فرقه‌ای، مخالفان را به تکفیر متهم کرد؛ زیرا تکفیر، حکمی شرعی است و لازمه‌اش مباح‌شمردن خون یک انسان است. حکم شرعی نیز ضوابط و ملاک‌های خاص خود را دارد. قلمرو تکفیر در اصول دین است و به نظر متفکران مسلمان، تکفیر در فروع دین جاری نمی‌شود؛ مگر فرع دینی که به تواتر ثابت شده باشد. بر اساس آموزه قطعی نبوی، معیار اسلام و مسلمان‌بودن فقط گفتن شهادتین است و هر کس شهادتین را بر زبان جاری کند، آبرو، جان و مالش محترم است (نیسابوری، ۱۴۰۷: ۷۹/۱-۸۲). رسول‌الله (ص) فرمود: «من مأمور شدم با مردم جنگ کنم تا بگویند: «لا اله الا الله». پس کسی که «لا اله الا الله» گفت، مال و جانش مصون است، مگر کاری کند که مستحق مجازات شود [مانند ظلم به غیر یا قتل نفس محترمه] و حساب او با خدا است» (بخاری، ۱۴۰۷: ۲۵۳۸/۶، ح ۶۵۲۶، کتاب استنابة المرتدین، باب قتل من ابی قبول الفرائض). کسانی که بدون ضابطه دیگران را تکفیر می‌کنند، نمی‌دانند اگر نتوانند کفر آنها را با ادله قطعی ثابت کنند، خودشان در زمره کافران خواهند بود. پیامبر (ص) فرمود: «هر کس دوست و برادر مسلمانش را کافر بشمارد، بی‌گمان یکی از آن دو کافر خواهد بود؛ زیرا یا تکفیر او درست است و شخص کافر است یا تکفیرش خطا است که در این صورت خود شخص تکفیرکننده، کافر است» (نیسابوری، ۱۴۰۷: ۱۱۲/۱-۱۱۴؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۵۸۲۴). در روایات دیگری نیز می‌فرماید: «کشتن کافری که شهادتین بگوید حرام است» (همان: ۱۳۳/۱).

۳. ابن تیمیّه با تقسیم توحید به ربوبی و عبادی و تفسیر خاص از توحید عبادی (ابن تیمیّه، ۱۴۲۶: ۵۷/۱؛ ابن قیم، ۱۴۱۷: ۲۵۹/۲-۲۶۰)، پاره‌ای از رفتارها و آیین‌های بومی عبادی و غیرعبادی در جوامع اسلامی را نقد و رد کرده، که به سبب خطاهای آشکار و ضعف مبانی و روش ناروا، واکنش عالمان مذاهب مختلف را برانگیخته است (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۴۲۴/۸). پیشوایان سلف هرگز دیگر فرقه‌های اسلامی را تکفیر نکرده و آن را بدعت‌آمیز خوانده‌اند (بغدادی، ۱۴۲۴: ۳۲۰؛ ابن عبدالوهاب، ۱۳۰۶: ۲۶، ۲۸، ۵۳-۵۴). شعراوی می‌گوید علمای سلف و پیشوایان، در تکفیر نکردن مرجئه و شیعیان با هم نزاعی نداشته‌اند و در نصوص احمد بن حنبل درباره تکفیر نکردن اینها اختلافی نیست؛ هرچند برخی از یارانش برخلاف او تکفیر همه اهل بدعت، مانند اینها و دیگران را نقل کرده‌اند. گروهی از آنان هیچ‌یک از اینها را به دلیل الحاقشان به اهل معصیت، تکفیر نکرده‌اند (شعراوی، ۲۰۱۰: ۳۲)؛ از این‌رو دانشمندان و فقهای مذاهب مهم اسلامی، نسبت بی‌دلیل کفر به مسلمانان را مستوجب تعزیر دانسته‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۹: ۱۳/۲۲۸-۲۲۹). غزالی نیز ضمن توضیح معیار تکفیر، بر طایفه‌ای از متکلمان که با تنگ‌نظری عده‌ای از مسلمانان را تکفیر کرده‌اند انتقاد، و توصیه کرده است که حتی‌الامکان از تکفیر اهل قبله احتراز شود. با این همه، از دیدگاه فقهی در مواردی معین و با حصول شرایطی خاص، تکفیر مشروع است و آثاری ویژه در پی دارد (Sposito, 1995)؛ از این‌رو برخی از سلفی‌های معتدل، مانند حسن البناء، تأکید می‌کردند که مبدا به صرف مخالفت برخی از مسلمانان با روش سلف، آنها را متهم به کفر کنند (مشعبی، ۱۴۱۸: ۲/۳۶۷-۳۷۸).

۲. بدعت‌انگاری اندیشه‌های مذاهب غیرسلفی

دیگر مفهوم مهم در اندیشه سلفی مفهوم «بدعت» است. ورود چیزی را که در دین نیست به دین، «بدعت» می‌گویند؛ خواه در فروع دین باشد یا در اصول، و خواه در اصولی باشد که اعتقاد به آن ملاک کفر و ایمان نیست. از نظر عالمان مسلمان این‌گونه بدعت حرام است. اما بدعت‌انگاری مخالفان سلفیه مانند معتزله، شیعه، اشاعره و صوفیه (سیسی، ۱۴۳۱:

۱۶۸، ۱۷۸) به عنوان ادعای مبارزه با بدعت‌ها و انحرافات، خود بدعتی است که جریان سلفیه آن را وارد فرهنگ اسلامی کرده است.

ابن تیمیه تفسیر طبری را به سبب خالی بودن از بدعت‌های ادعایی سلفیه، تفسیر صحیح می‌شمرد و می‌گوید در تفسیر طبری بدعتی وجود ندارد و او از راویان متهم به کذب مانند مقاتل بن بکیر و کلبی نقل روایت نمی‌کند (ابن تیمیه، ۲۰۰۲: ۱۱۴). وی ضمن مقایسه سه تفسیر زمخشری، بغوی و قرطبی، می‌گوید تفسیر زمخشری پر از امور بدعت‌آمیز است! راز بدعت‌آمیز بودن تفسیر کشاف، از دیدگاه ابن تیمیه، فقط معتزلی بودن زمخشری است. از این رو می‌گوید انکار صفات، نفی رؤیت الهی و قول به خلق قرآن، و مانند آن از اصول اعتزال است که زمخشری بدانها پای‌بند است؛ از این رو تفسیر قرطبی و تفسیر ابن عطیه به مراتب از تفسیر زمخشری بهتر است؛ زیرا به روش اهل کتاب و سنت نزدیک‌تر و از بدعت‌ها به دور است: «وَأَمَّا الزَّمَخْشَرِيُّ فَتَفْسِيرُهُ مَحْشُورٌ بِالْبِدْعَةِ، وَعَلَى طَرِيقَةِ الْمُعْتَزَلَةِ، مِنْ إِنْكَارِ الصِّفَاتِ وَالرُّؤْيَةِ وَالْقَوْلِ بِخَلْقِ الْقُرْآنِ وَأَنْكَرَ أَنَّ اللَّهَ مُرِيدٌ لِلْكَائِنَاتِ وَخَالِقٌ لِأَفْعَالِ الْعِبَادِ وَغَيْرَ ذَلِكَ مِنْ أُصُولِ الْمُعْتَزَلَةِ» (همان). وی می‌گوید اگر در تفسیر آیه‌ای، قولی از صحابه و تابعان وجود داشته باشد، و با این حال کسی آیه را بر اساس قول دیگر و مذهب خاصی تفسیر کرد، آن مذهب صحابه و تابعان نیست، بلکه چنین اشخاصی در زمره اهل بدعت از معتزله و مانند آن قرار می‌گیرند.

سلفیه با استناد به حدیث نبوی «إِنَّ أَصْدَقَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَأَحْسَنَ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّدٍ وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا وَكُلُّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ» (نيسابوری، ۱۴۰۷: ۲۷۰/۲؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۹/۳۵) خود را فرقه ناجیه و با بهره‌گیری از ترفند بدعت، فرقه‌های دیگر، مانند قدریه، خوارج، معتزله، اشاعره، رافضه، جهمیه، امامیه و اهل عرفان و فلسفه را بدعت‌گذار می‌شمردند (ابن تیمیه، بی تا الف: ۱۹/۱، ۴۸۰/۲).

از منظر سلفیه، هر عملی که عین آن در زمان پیامبر (ص) وجود نداشته و انجام نمی‌شده است، امروز نیز نباید انجام شود. در این چارچوب، سلفیان، بسیاری از اعمالی را

که خود می‌پندارند در زمان پیامبر (ص) نبوده، یا اینکه اساساً امکان آن در زمان پیامبر (ص) وجود نداشته است بدعت می‌شمرند. به باور جریان سلفی، مسلمانان در طول سده‌ها، از آیین اسلام منحرف شدند و در دین خدا بدعت‌هایی به وجود آوردند که در تعارض با شرع اسلام است؛ و معیار بدعت آن است که کسی کاری انجام دهد که اصحاب آن را انجام نداده‌اند (قوسی، ۱۴۲۲: ۴۱۸-۴۱۹).

بررسی و نقد

«بدعت» به معنای نوآوری در ساحت دین، چون پشتوانه معرفتی ندارد، باطل است؛ از این‌رو اصل مبارزه با بدعت‌ها و انحرافات از دین، ضروری و بسیار پسندیده است. اما توسعه بی‌ضابطه معنای «بدعت» و سرایت آن به همه چیز، از اقدامات جریان سلفیه بوده (صالح، ۱۴۲۰: ۱۷۴)، که به بهانه آن می‌توان بسیاری از مسلمانان را در زمره اهل بدعت قرار داد. قبل از ابن تیمیه، «بدعت» مفهومی مشخص و شامل بدعت حرام، مکروه و مباح بود؛ اما وی همه انواع بدعت را حرام دانست. بنابراین، بسیاری از مراسم‌ها و شعائر رایج در جامعه اسلامی، همچون نماز در مزار اولیای الهی و جشن میلاد پیامبر اکرم (ص) در شمار بدعت‌های حرام قرار گرفت (ابن تیمیه، بی‌تا ب: ۳۶ و ۴۸). عالمان زمان ابن تیمیه این دیدگاه را نپذیرفته بودند؛ ولی در چهار سده بعد، همین برداشت ابن تیمیه، مبنای عمل محمد بن عبدالوهاب قرار گرفت (عطاونه، ۲۰۱۴: ۱۳۳؛ بلال، ۲۰۱۵: ۳۶، ۸۹، ۹۵).

مبارزه با بدعت‌ها و انحرافات که در طول زمان وارد فرهنگ ناب اسلامی می‌شود، همواره دغدغه پیشوایان و عالمان مسلمان بوده است؛ زیرا بدعت‌ها و انحرافات همواره در کمین این آیین جاودانی است؛ از این‌رو اصل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان اصلی قرآنی وظیفه هر مسلمان دانسته شده (آل‌عمران: ۱۰۵) و در کتب روایی شیعه، بابی مستقل در نکوهش بدعت‌ها آمده است (نک: کلینی، ۱۴۰۷: بابُ الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَائِيسِ، ۵۳/۱). مطابق این روایات، عالمان دینی هنگام ظهور بدعت‌ها، باید آگاهانه با آنها مبارزه کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴/۱)؛ زیرا ترویج بدعت‌ها برابر با ویران کردن دین اسلام دانسته شده است.

پیامبر (ص) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خدا بدان شما را بر نیکانتان چیره می‌کند، و چون چنین شود، هر چه نیکان دعا کنند خدا مستجاب نخواهد کرد» (متقی الهندی، ۱۴۰۹: ۶۸۱/۳). امام حسین (ع) با استناد به رواج بدعت‌ها و انحرافات که پس از رحلت رسول خدا (ص) در جامعه اسلامی پدید آمده بود به پا خاست و جان خود و عزیزانش را در این راه تقدیم کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲۹/۴۴). آن حضرت در ضمن نامه‌ای انتقادآمیز به معاویه، با اشاره به مخالفت صحابه مانند حجر بن عدی با بدعت‌ها می‌فرماید: «آیا تو همان معاویه‌ای نیستی که حُجر بن عدی را با آن افرادی که اهل نماز و عبادت، و مخالف ظلم و بدعت بودند و در راه خدا از هیچ‌گونه سرزنشی باک نداشتند، شهید کردی؟!» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۹۷/۲). اما در طول تاریخ همواره برخی کوشیده‌اند به بدعت‌ها و انحرافات رنگ دینی دهند؛ چنان‌که معاویه برای مخالفت با علی (ع) قتل عثمان را بهانه قرار داد و در جریان حکمیت، موقعیت خود را به نام دین محکم کرد.

نگرش ابن تیمیه در توحید خداوند و اثبات صفات، مبتنی بر اصل پیروی از تفسیر سلف است. بنابراین، برخی از سنن و عقاید رایج میان مسلمانان بدعت بوده، و سبب شرک و دوری از توحید دانسته شده است؛ در حالی که ابن تیمیه در آثارش، به‌ویژه *منهاج السنه*، بدعت‌هایی را به نام دین از خود به جا گذاشت و به تعبیر امینی، اگر کسی جویای کتابی است که نامش کاملاً مخالف محتوایش باشد، باید به *منهاج السنه* مراجعه کند. نام این کتاب دقیقاً ضد محتوای آن است، بلکه نام مناسب برای آن «*منهاج البدعة*» است؛ زیرا حاوی انواع بدعت‌ها و دروغ‌ها و انکار مسلمات دین و تکفیر مسلمانان و سخنان بی‌منطق و پوچ و دلایل واهی و یاری بدعت‌گذاران و پر از کینه‌ورزی و دشمنی با اهل بیت (ع) و خاندان وحی است. ابن تیمیه در این کتاب از هیچ‌گونه اتهامی علیه تشیع فروگذار نکرده است (امینی، ۱۴۲۴: ۲۱۱/۳-۲۱۳).

ابن تیمیه با رد تقسیم بدعت به دو قسم بدعت پسندیده و بدعت نکوهیده، می‌گوید نماز جماعت تراویح در شب‌های ماه رمضان بدعت نیست! و مقصود خلیفه دوم از

«بدعت» نماز تراویح در عبارت «نعمت البدعة هذه»، بدعت لغوی است نه شرعی؛ زیرا نماز جماعت تراویح از جمله سنت‌های اسلامی است! (ابن تیمیه، بی‌تاب: ۲۷۵). وی در جای دیگر از همان اثر می‌گوید بدعت پسندیده و نکوهیده وجود ندارد، بلکه هر بدعتی نکوهیده است و بدعت‌گذاران همگی دروغ‌گویان‌اند. ولی بدعت‌های سلف بدعت‌های اصطلاحی نبوده است (همان: ۵۴-۵۵ و ۴۲۵؛ فوزان، ۱۴۱۲: ۸).

البته باید دانست گرچه جریان سلفی وهابی دیگر مذاهب کلامی و فقهی معروف اهل سنت مانند اشاعره، ماتریدیه، معتزله، تصوف و ... را اهل بدعت و خارج از جرگه اهل سنت معرفی می‌کند، ولی واقعیت آن است که اکثریت قاطع مسلمانان جهان اسلام در بخش عقاید، یا از پیروان ابوالحسن اشعری، یا ابومنصور ماتریدی، یا یکی از فرقه‌های تصوف‌اند. در نتیجه جمعیت سلفیه وهابی نسبت به دیگر مذاهب اهل سنت، بسیار ناچیز و اندک است؛ از این‌رو، نباید عقاید و باورهایشان را به حساب همه اهل سنت گذاشت.

۳. فرقه‌سازی درون‌مذهبی

وحدت و یکپارچگی مسلمانان، شعار و آموزه‌ای قرآنی است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). شواهد تاریخی نشان می‌دهد که جامعه اسلامی با مذاهب مختلف در سده‌های نخست از انسجام و اتحاد نسبی برخوردار بوده است. اما بعدها، به‌ویژه در سده‌های اخیر، قرائتی خاص از آن، منشأ اختلاف و تفرقه میان صفوف مسلمانان شده است (بوطی، ۱۴۱۶: ۱۹۳). از نظر وی، بنیان اسلامی در طول تاریخ دو بار در دو عصر دور از هم به لرزه افتاد؛ اولی در عصر سلف و دومی در دوران معاصر.

بار اول، در اوایل سه قرن نخست اسلامی، یعنی دوران سلف که سبب آن، پیدایش و نفوذ غیررسمی و پنهان فلسفه یونانی به جامعه اسلامی بود، که قربانی نخست آن معتزله بود که به بیش از بیست فرقه تقسیم شد که هر یک دیگری را تکفیر می‌کرد. در هر حال، بر اثر نفوذ فلسفه یونانی بعد از فتوحات اسلام و تعامل فکری و فرهنگی مسلمانان با

یونانیان، فرقه‌های گوناگون اسلامی در این عصر پدیدار شد. با این همه هنوز وحدت نسبی بر جامعه اسلامی حاکم بود.

اما بار دوم، آثار و حجم آن بر پیکر جامعه اسلامی بسیار شکننده و اسفبار بود؛ چراکه انواع شکاف‌هایی از جنس تکفیر و شرک بر جای نهاد که در زمان نه‌چندان دور ممکن است صفوف امت اسلامی را به کلی از هم بگسلد. سرچشمه این انحراف، بدفهمی است؛ زیرا شعار پیروی از سلف، شعار در فهم حقایق اسلام است، و شعار درستی است؛ اما سخن در کیفیت این پیروی است که عده‌ای امروز از پیمودن شیوه علمی صحیح، عدول کرده، خود را پیرو واقعی سلف، و دیگران را گمراه و اهل بدعت انگاشته، و عامل وحدت‌بخش امت اسلامی را به عنصر جدایی و تفرقه مبدل کرده‌اند. تنها راه چاره آن نیز تفسیر ضابطه‌مند نصوص دینی و اعتدال در اندیشه‌های اعتقادی و سلوک عملی است (همان: ۱۹۹-۲۰۹).

اظهارات تعصب‌آمیز پیشوای فکری سلفیه درباره شیعه و بدتردانستن شیعه از یهود و نصارا (ابن تیمیه، بی تا ب: ۶۰-۶۴؛ همو، ۱۴۰۶: ۲۱/۱-۳۷) به تدریج اختلافی عمیق میان مسلمانان ایجاد کرد تا آنجا که با ظهور فرقه وهابیت در سده دوازدهم هجری، این اختلاف به شکاف در کالبد جامعه اسلامی انجامید. ابن تیمیه شیعه را فرقه‌ای می‌داند که پس از قتل عثمان پدید آمد (همو، ۱۴۰۸: ۸/۲-۱۲). از این رو می‌گوید روایت هیچ یک از بزرگان شیعیان به سبب کثرت دروغ، در خور اعتماد نیست (همان: ۱۲۴/۱).

بن‌باز، مفتی معاصر سلفی، می‌نویسد: «خطر رافضیه خمینیه دوازده‌امامی بسیار زیاد است؛ زیرا که دعوت به شرک اکبر مانند استغاثه می‌کنند» (بن‌باز، ۱۴۲۰: ۵۴۹/۲-۵۵۲ و ۷۴۶). سپس می‌گوید بعد از مطالعه عقاید شیعیان، هر شخصی اطمینان حاصل می‌کند که تعامل با روافض جایز نیست، چه رسد به اینکه کسی آنها را دوست داشته باشد یا از آنها دفاع کند. در نتیجه، از نظر من، علمای الأزهر فریب خورده‌اند، خصوصاً حسن البنا و تلمسانی، تا حدی که برخی در باب تقریب، به غلو افتاده‌اند (همان: ۴۳۹/۴). به نظر وی، همان‌گونه

سطحی‌نگری سلفیه معاصر در تفسیر متون دینی و پیامدهای اجتماعی آن / ۲۳

که نمی‌شود اهل سنت با یهود، نصارا و بت‌پرستان در یک جا جمع شوند، همچنین به سبب اختلاف اعتقادی که میان شیعه و اهل سنت هست، تقریب میانشان امکان‌پذیر نیست (همان: ۱۵۶/۵). طبیعی است جریان سلفی با چنین رویکردی هرگز نمی‌تواند تقریب و وحدت را بپذیرد؛ از این رو آنها نخستین پیش‌شرط وحدت و تقریب با شیعه را اثبات مسلمان‌بودن شیعه دانسته‌اند! (قفاری، ۱۴۲۸: ۲۵۳/۲).

در سده اخیر، وهابیت با القای تفکر افراطی تکفیری، نه تنها به تقریب بین شیعه و اهل سنت قائل نشد، بلکه شیعیان و بسیاری از اهل سنت را در دایره کفر قرار داد. این نگرش نه تنها مانع وحدت بین شیعه و سنی می‌شود، بلکه وحدت موجود میان خود اهل سنت و نیز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و غیرمسلمانان را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد؛ از باب نمونه، برجسته‌ترین ویژگی مسلمانان جنوب شرق آسیا، در دوره‌های گوناگون تاریخی و معاصر، رواداری در مواجهه با پیروان دیگر ادیان، مذاهب و نحله‌های محلی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با آنها بوده است. اما نفوذ اندیشه‌های سطحی‌نگر و فعالیت‌های میدانی وهابیان در چند دهه اخیر در جنوب شرق آسیا موجب شد برخی از مسلمانان این منطقه به تدریج از رواداری، میانه‌روی و مدارا طلبی به تندروی و ستیزه‌جویی در قبال پیروان دیگر ادیان و نحله‌ها و حتی مسلمانان دیگر، روی آورند.

انحصارگرایی مذهبی و سطحی‌نگری سلفیه، موجب فرقه‌سازی درون‌مذهبی شد و فرقه‌سازی درون‌مذهبی، به تفرقه امت اسلامی منجر شد و تفرقه میان جوامع اسلامی، به بلوک‌بندی سیاسی و مذهبی در بزرگ‌ترین منطقه جهان اسلام، یعنی خاورمیانه، انجامید و این منطقه راهبردی را وارد نزاعی دائمی کرد (زلوم، ۲۰۱۱: ۱۴۴). سلفیه معاصر با رویکرد افراطی تکفیری، خواسته یا ناخواسته، در خدمت سیاست‌های استکبار جهانی رفتار کرده و شاکله جامعه و امت اسلامی را از هم گسسته است.

۴. اسلام‌هراسی

اقدامات گروه‌های سطحی‌نگر سلفی و وهابی به نام اسلام در جهان اسلام باعث خدشه‌دار شدن چهره اسلام و مسلمانان در غرب شده است. اسلام‌هراسی در خود این مفهوم را به همراه دارد که اسلام در مقایسه با فرهنگ غرب در موقعیتی فرودست قرار دارد و فاقد ارزش مشترک با دیگر فرهنگ‌ها است، و بیشتر نوعی ایدئولوژی است تا دین. در حالی که اسلام دین حکمت و آیین رحمت است و برنامه‌ای کامل، جامع و انسان‌ساز دارد که در آن برنامه زندگی انسان به صورت جامع و حکیمانه تنظیم شده و حاکمیت در آن از آن خدا است و انسان دین‌باور و مسلمان هرگز به اقدامات خشونت‌آمیز، مانند ترور و ارباب علیه هم‌نوعان خود، دست نمی‌زند. گروه‌های سلفیه تکفیری، به دلیل نگرش یک‌جانبه به قرآن و روایات، رفتارهای خشونت‌آمیزی انجام می‌دهند. با کمال تأسف این کارهای ناپسند و غیرانسانی با نمادهای اصیل اسلامی و معمولاً با شعار کانونی اسلامی، یعنی تکبیر «الله اکبر»، انجام می‌شود. بنابراین، بدخواهان و دشمنان اسلام همواره ترور و خشونت‌طلبی و این گونه اقدامات را به دین اسلام پیوند می‌دهند؛ با اینکه می‌دانند زادگاه ترور و خشونت‌طلبی کشورهای غربی و اروپایی بوده است (موشیر، ۲۰۱۵: ۴۵-۴۹).

آموزه‌های آیین مقدس اسلام، حتی در میدان نبرد با دشمن، اجازه قتل و غارت و ترور نمی‌دهد و برای حفظ عزت و استقلال مؤمنانه، آنها را به تجهیز قوای دفاعی توصیه می‌کند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) و برای جنگ و جهاد نیز که در اصل حربه‌ای دفاعی، و نه تهاجمی است اصول و ضوابط را تعیین می‌کند و جنگ و جهاد را فقط با کسانی مجاز می‌شمرد که تجاوزگر بوده، به جنگ با مسلمانان قیام کرده باشند و در ضمن آن تأکید می‌کند که هرگز از حدود و چارچوب الهی تجاوز نکنند که خدا متجاوزان را دوست ندارد: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا

يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰)؛ و مبادا کینه‌توزی گروهی، شما را به تجاوزگری وادارد: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا» (مائده: ۲).

اسلام‌هراسی که امروزه در غرب شدت گرفته عمدتاً، به نوعی بر برداشت‌ها، تصمیم‌ها و نوع رفتارهای بازیگران مسلمان استوار است. مهم‌ترین این سیاست‌ها عبارت‌اند از: ۱. تندروی و تفسیر سطحی‌نگر و متحجرانه از دین؛ ۲. ترویج و تجویز خشونت‌گرایی که این اقدامات، بستر هجوم همه‌جانبه نرم‌افزاری و رسانه‌ای دشمنان و معاندان را فراهم می‌کند. تولید بحران در سرمایه اجتماعی (مجموع سیاست‌هایی که به نوعی به کاهش یا زوال سرمایه اجتماعی منجر می‌شود)، از طریق دامن‌زدن به «بی‌اعتمادی»، پدیده «اسلام‌هراسی» را تقویت می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۹). در نتیجه این عوامل توانسته است به تهدید و تشدید اسلام‌هراسی در جامعه معاصر کمک کند و منابع اسلام‌هراسی را تقویت و فعال کرده است؛ واقعیت این است که بخش مهمی از تبلیغات اسلام‌هراسانه، در سایه بی‌توجهی و کم‌کاری مسلمانان و رسانه‌هایشان مجال رشد یافته است (نک: عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۶: ۸۰).

اصطلاحات به‌کاررفته در رسانه‌ها، مانند «تروریسم اسلامی»، «بمب‌های اسلامی» و «اسلام‌خشن» همگی در صدد القای اسلام‌هراسی است (Egorova & Tudor, 2003: 2-3). برانگیختن حس تنفر از مسلمانان و تهدید جلوه‌دادن اسلام، دو عنصر اساسی در اسلام‌هراسی به‌شمار می‌رود (Shryock, 2010: 2) که زمینه بسیاری از اقدامات غیرقانونی کشورهای غربی در جهان و منطقه را فراهم کرده است و در نتیجه آن شکل‌گیری و گسترش فعالیت‌های تروریستی گروه‌های تکفیری سلفی همچون القاعده، داعش و ... شاهد این مدعا است.

نتیجه

رویکرد سطحی‌نگر سلفیه افراطی معاصر در تفسیر متون دینی، یعنی قرآن کریم و روایات، به رغم عَلم‌کردن شعارهای آرمانی همچون بازگشت به اسلام نخستین، مبارزه با گسترش

خرافه‌ها و بدعت‌ها در جامعه اسلامی و مانند آن پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیانباری برای جامعه اسلامی و حتی جامعه جهانی در پی داشته است. در عرصه فرهنگی و اجتماعی، تکفیر گسترده مخالفان، شبهه‌افکنی در اعتقادات مسلمانان، تشدید اختلافات مذهبی و فرقه‌سازی درون‌مذهبی، اعتباربخشی به تفسیر سطحی‌نگری از متون دینی و تحجرگرایی، مخالفت با تقریب مذاهب اسلامی و در نتیجه جلوگیری از شکل‌گیری امت اسلامی از مهم‌ترین این پیامدها است. از نظر سلفیه تکفیری، تمام گروه‌ها و فرقه‌هایی که در مواضع بنیادین با تفسیر آنها از اسلام ناسازگار باشند، مشرک و شایسته تکفیرند و اهدافی برای جهاد فی سبیل الله محسوب می‌شوند.

اصل مبارزه با بدعت‌ها و انحرافات از دین، لازم و پسندیده است. اما توسعه بی‌ضابطه معنای بدعت و سرایت آن به هر چیز نوپدید، از دیگر حربه‌های سلفیه افراطی است که به بهانه آن بسیاری از مسلمانان را در زمره اهل بدعت و تکفیر قرار می‌دهند. تفسیر سطحی‌نگری سلفیه از اسلام، نه تنها مانع اصلی وحدت جامعه اسلامی بوده، بلکه عامل اصلی فرقه‌سازی درون‌مذهبی در جامعه اسلامی و بسترسازی برای تقویت اندیشه پلید اسلام‌هراسی در جهان غرب بوده است. تندروی و تفسیرهای انحصاری از منابع اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم، و کاربرد خشونت و اعتقاد راسخ به اندیشه تکفیر مخالفان، با روح اسلام ناب و آیین رحمت فاصله بسیار دارد.

منابع

قرآن کریم.

ابن ابی العزّ حنفی، علی بن محمد (بی تا). شرح الطحاویة فی العقیة السلفیة، تحقیق: احمد محمد شاکر، خارطوم: دار السودانیة للکتب.

ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۰۶). منهاج السنة، تحقیق: محمد رشاد سالم، السعودیة: جامعة الامام محمد بن سعود، مؤسسة قرطبة.

ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۰۸). التفسیر الکبیر، تحقیق: عبد الرحمن عمیرة، بیروت: دار الکتب العلمیة. ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۲۶). مجموع فتاوی شیخ الاسلام، بیروت: مکتبة الرشد.

ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۲۷). درء التعارض العقل والتقل، الرياض: مکتبة الرشد، ناشرون.

ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۱۹۹۳). الردّ علی المنطقیین، بیروت: دار الفکر اللبنانی.

ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۲۰۰۲). مقدمة فی اصول التفسیر، ریاض: دار المؤید.

ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۲۰۰۶). قاعدة الجلیلة فی التوسل والوسیلة، بیروت: دار الکتب العربی.

ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (بی تا الف). اقتضاء الصراط المستقیم مخالفة أصحاب الجحیم، تحقیق: ناصر بن عبد الکریم، الرياض: مکتبة الرشد.

ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (بی تا ب). مختصر منهاج السنة، اختصار عبد الله غنیمان، ترجمة: اسحاق دبیری، مدينة منورة: بی نا.

ابن حنبل، احمد (۱۴۲۱). مسند الامام احمد بن حنبل، قاهره: مؤسسة الرسالة.

ابن عبد الوهاب، سلیمان (۱۳۰۶). فصل الخطاب من کتاب الله و حدیث الرسول و کلام العلماء فی مذهب ابن عبد الوهاب، بمبئی: بی نا.

ابن عثیمین، محمد بن صالح (۱۴۰۴). عقیة اهل السنة والجماعة، ریاض: مدار الوطن للنشر.

ابن عثیمین، محمد بن صالح (۱۴۲۶). مجموع فتاوی و رسائل، الرياض: دار الثریا للنشر والتوزیع.

ابن فارس، احمد (۱۳۸۷). ترتیب مقایس اللغة، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۱۷). مختصر الصواعق المرسله علی الجهمیة والمعطله، تحقیق: رضوان جامع رضوان، قاهره: دار الفکر.

ابو زهره، محمد (۱۹۹۶). تاریخ المذاهب الاسلامیة، القاهره: دار الفکر العربی.

اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۸). دائرة المعارف جهان نوین اسلام، ترجمه و تحقیق زیر نظر: حسن طارمی راد، محمد دشتی و مهدی دشتی، تهران: نشر کتاب.

افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). «دو چهره اسلام هراسی سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب»، در: رسانه، س ۲۰،

- ألگار، حامد (٢٠٠٦). الوهابية: مقالة نقدية، ترجمة: عباس خضير كاظم، ألمانيا: منشورات الجمل.
- امين، سيد محسن (١٤٣٢). كشف الارتياح في اتباع محمد بن عبد الوهاب، تهران: المجمع العالمي لأهل البيت (ع).
- اميني، عبد الحسين (١٤٢٤). موسوعة الغدير في الكتاب والسنة والادب، قم: مركز الغدير.
- بخاري، محمد بن اسماعيل (١٤٠٧). صحيح البخاري، بيروت: دار القلم.
- بغدادى، عبد القاهر بن طاهر (١٤٢٤). الفرق بين الفرق، بيروت: دار المعرفة.
- بلال محمد يوسف (٢٠١٥). بدع السلفية الوهابية في هدم الشريعة الاسلامية، القاهرة: مكتبة جزيرة الورد.
- بن باز، عبد العزيز بن عبد الله (١٤٢٠). مجموعة فتاوى ومقالات متنوعة، تحقيق: محمد بن سعد الشويعر، بي‌جا: دار القاسم.
- بوطى، محمد سعيد رمضان (١٤١٦). و هاه مشكلاتنا، دمشق: مكتبة الفارابي.
- جمعى از نويسندگان (١٤٠٩). الموسوعة الفقهية الكويتية، كويت: وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية.
- خطيب، محمد عوض (١٤٣٢). الوهابية، فكريا و ممارسة، بيروت: مركز الغدير.
- الدويش، أحمد بن عبد الرزاق (بي‌تا). فتاوى اللجنة الدائمة، اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، الرياض: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، الإدارة العامة للطبع.
- دهخدا، على أكبر (١٣٧٣). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد (١٤١٢). مفردات ألفاظ القرآن، بيروت: دار الشامية.
- زولوم، عبد الحق (٢٠١١). الربيع العربي ثورة أم فوضى غير خلاقه، بيروت: دار الطليعة.
- سيسى، محمد (١٤٣١). مدرسة السلفية في التفسير، القاهرة: دار السلام.
- شعراوى، محمد متولى (٢٠١٠). اتبعوا ولا تتبدعوا فقد كُفيتُم، بيروت: المكتبة العصرية.
- شكرى، مصطفى (بي‌تا الف). التبيين، نسخه خطى، بي‌جا: بي‌نا.
- شكرى، مصطفى (بي‌تا ب). الحجيات، نسخه خطى، بي‌جا: بي‌نا.
- شهرستاني، محمد بن عبد الكريم (١٣٦٤). الملل والنحل، قم: منشورات الشريف الرضى.
- صالح، سعد الدين السيد (١٤٢٠). الفرق والجماعات الإسلامية المعاصرة و جذورها التاريخية، بي‌جا: دار أحد.
- طبرسى، ابو منصور (١٤٠٣). الإحتجاج، مشهد: نشر المرتضى.
- طبرى، محمد بن جرير (١٤١٢). جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفة.
- عبد المالكى، سعيد (١٣٩٤). تحليل روان‌شناختى پديده داعش، تهران: نشر علم.
- عطاونة، محمد (٢٠١٤). الإسلام الوهابى فى مواجهة تحديات الحداثة، ترجمه: ابوبكر با قادر، بيروت: الشبكة العربية للأبحاث والنشر.

سطحی نگری سلفیه معاصر در تفسیر متون دینی و پیامدهای اجتماعی آن / ۲۹

عیوضی، محمدرحیم؛ فلاح حسینی، مهسا (۱۳۹۶). «اسلام‌هراسی و سناریوهای پیش روی آن»، در: *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، دوره ۶، ش ۳ (۲۳)، ص ۷۵-۹۲.

فوزان، صالح (۱۴۱۲). *البدعة: تعریفها، انواعها و احکامها*، الرياض: دار العاصمة.

فوزان، صالح (بی تا). *کتاب التوحید* (کتاب درسی دانش آموزان کلاس اول دبیرستان سعودی)، الرياض: بی تا. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵). *القاموس المحيط*، بیروت: دار الکتب العلمية.

قفاری، ناصر بن عبد الله (۱۴۲۸). *مسئلة التقريب بين أهل السنة والشيعة*، بی جا: دار طيبة للنشر والتوزيع. قوسی، مفرح بن سلیمان (۱۴۲۲). *المنهج السلفی*، الرياض: دار الفضيلة.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مالکی، حسن بن فرحان (۱۴۳۵). *جدور داعش، قراءة فی تراث الوهابية و علماء السعودية*، بیروت: دار المحجة البيضاء.

متقی الهندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹). *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، تحقیق: بکری حیانی، صفوة السقا، بیروت: مؤسسه الرسالة.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمد نصیر، آمنه (بی تا). *الشیخ الامام محمد بن عبد الوهاب و منهجه فی مباحث العقيدة*، بی جا: المكتبة الشاملة.

مشعبی، عبد المجید بن سالم (۱۴۱۸). *منهج ابن تیمیة فی مسألة التكفير*، الرياض: دار أضواء السلف.

مطهری مرتضی (۱۳۸۹). *مجموعه آثار (نرم افزار)*، قم: صدرا، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور. مویشیر، مشعل عبد الرحمن (۲۰۱۵). *الارهاب و آثاره بالعلاقات الدولية*، بیروت: دار العربية للعلوم ناشرون.

نیسابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۰۷). *صحیح مسلم*، بیروت: مؤسسه عزّ الدین.

Egorova, Y.; Tudor, P. (2003). *Jews, Muslims, and Mass Media: Mediating the Other*, London: Routledge Curzon.

Shryock, Andrew (2010). *Islamophobia: Beyond the Politics of Enemy and Friend*, Indiana: Indiana University Press.

Sposito, John L. (1995). *The Oxford of Modern Islamic World*, London: Oxford University Press.

References

The Holy Quran

- A Group of Authors. 1988. *Al-Mawsuah al-Feghhiyah al-Kowaytiyah (Kuwaiti Jurisprudence Encyclopedia)*, Kuwait: Ministry of Endowments and Islamic Affairs. [in Arabic]
- Abd al-Maleki, Said. 2015. *Tahlil Rawanshenakhti Padideh Daesh (Psychological Analysis of ISIS Phenomenon)*, Tehran: Science Publication. [in Farsi]
- Abu Zohreh, Mohammad. 1996. *Tarikh al-Mazaheb al-Islamiyyah (History of Islamic Schools)*, Cairo: Arabic Thought House. [in Arabic]
- Al-Dowaysh, Ahmad ibn Abd al-Razzagh. n.d. *Fatawa al-Lajnah al-Daemah (Fatwas of the Permanent Committee)*, The Permanent Committee for Scholarly Research and Judgment, Riyadh: The Presidency of Scholarly Research and Judgment, General Administration of Printing. [in Arabic]
- Algar, Hamed. 2006. *Al-Wahhabiyah: Maghalah Naghdiyan (Wahhabism: A Critical Article)*, Translated by Abbas Kozayr Kazem, Germany: Al-Jamal Publications. [in Arabic]
- Amin, Seyyed Mohsen. 2010. *Kashf al-Ertiyab fi Etteba Mohammad ibn Abd al-Wahhab*, Tehran: The World Assembly of Ahl al-Bayt. [in Arabic]
- Amini, Abd al-Hosayn. 2003. *Mawsuah al-Ghadir fi al-Ketab wa al-Sunnah wa al-Adab (Al-Ghadir Encyclopedia in the Book, Sunnah and Literature)*, Qom: Al-Ghadir Center. [in Arabic]
- Atawanah, Mohammad. 2014. *Al-Islam al-Wahhabi fi Mowajjahah Tahaddiyat al-Hadathah (Wahhabi Islam in the Face of the Challenges of Modernity)*, Translated by Abubakr Baghader, Beirut: The Arab Network for Research and Publishing. [in Arabic]
- Baghdadi, Abd al-Ghaher ibn Taher. 2003. *Al-Fargh bayn al-Feragh (Difference between Sects)*, Beirut: Knowledge House. [in Arabic]
- Balal, Mohammad Yusof. 2015. *Beda al-Salafiyah al-Wahhabiyah fi Hadm al-Shariah al-Islamiyah (The Heresies of Wahhabi Salafism in Destroying Islamic Law)*, Cairo: Rose Island Press. [in Arabic]
- Ben Baz, Abd al-Aziz ibn Abdollah. 1999. *Majmu Fatawa wa Maghalat Motanawwaah (Collection of Various Fatwas and Statements)*, Researched by Mohammad ibn Sad al-Showayer, n.p: Al-Ghasem House. [in Arabic]

- Bokhari, Mohammad ibn Ismail. 1986. *Sahih al-Bokhari*, Beirut: House of Pen. [in Arabic]
- Buti, Mohammad Said Ramezan. 1995. *Wa Hazehi Moshkelatona (And These Are Our Problems)*, Damascus: Al-Farabi Press. [in Arabic]
- Dehkhoda, Ali Akbar. 1994. *Loghatnameh (Dictionary)*, Tehran: University of Tehran. [in Farsi]
- Eftekhari, Asghar. 2010. "Do Chehreh Islam Harasi Salbi wa Ijabi dar Tablighat Gharb (Two Faces of Islamophobia, Negative and Positive, in Western Propaganda)", in: *Media*, yr. 20, no. 3, pp. 37-39. [in Farsi]
- Egorova, Y.; Tudor, P. 2003. *Jews, Muslims, and Mass Media: Mediating the Other*, London: Routledge Curzon.
- Eposito, John, L. 2009. *Daerah al-Maaref Jahan Nowin Islam (Encyclopedia of the New World of Islam)*, Translated & Researched by Hasan Taremirad, Mohammad Dashti & Mahdi Dashti, Tehran: Book Publication. [in Farsi]
- Eywazi, Mohammad Rahim; Falah Hoseyni, Mahsa. 2017. "Eslam Harasi wa Senariyo-hay Pish Ruy An (Islamophobia and the Scenarios Facing It)", in: *Political Studies of the Islamic World*, yr. 6, no. 3 (23), pp. 75-92. [in Farsi]
- Fawzan, Saleh. 1991. *Al-Bedah: Tarifooha, Anwaoha wa Ahkamoha (Heresy: Definition, Types and Rulings)*, Riyadh: Al-Asemah House. [in Arabic]
- Fawzan, Saleh. n.d. *Ketab al-Tawhid, Ketab Darsi Danesh Amuzan Kelas Awwal Dabirestan Saudi (Book of Monotheism, Textbook for First Grade Saudi High School Students)*, Riyadh: n.pub. [in Arabic]
- Firuzabadi, Mohammad ibn Yaghub. 1994. *Al-Ghamus al-Mohit (Comprehensive Dictionary)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Ghaffari, Naser ibn Abdollah. 2007. *Masaleh al-Taghrib bayn Ahl al-Sonnah wa al-Shiah (The Issue of Rapprochement between Sunnis and Shiites)*, n.p: Tayyebah Institute for Publishing and Distribution. [in Arabic]
- Ghawsy, Mafrah ibn Solayman. 2001. *Al-Manhaj al-Salafi (The Salafi Method)*, Riyadh: Al-Fazilah House. [in Arabic]
- Ibn Abd al-Wahhab, Solayman. 1888. *Fasl al-Khetab men Ketab Allah wa Hadith al-Rasul wa Kalam al-Olama fi Mazhab Ibn Abd al-Wahhab (Decisive Word from the Book of God and the Hadith of the Messenger and the Words of Scholars in the School of Ibn Abd al-Wahhab)*, Mumbai: n.pub. [in Arabic]

- Ibn Abi al-Ezz Hanafi, Ali ibn Mohammad. n.d. *Sharh al-Tahawiyah fi al-Aghidah al-Salafiyah*, Researched by Ahmad Mohammad Shaker, Khartoum: Sudanese House of Books. [in Arabic]
- Ibn Fares, Ahmad. 2008. *Tartib Maghayis al-Loghah (Dictionary of Comparative Language)*, Qom: Research Institute of Hawzeh and University. [in Arabic]
- Ibn Ghayyem Jawziyah, Mohammad ibn Abubakr. 1996. *Mokhtasar al-Sawaegh al-Morsalah ala al-Jahmiyah wa al-Moattalah*, Researched by Rezwan Jame Rezwan, Cairo: Institute of Thought. [in Arabic]
- Ibn Hanbal, Ahmad. 2000. *Mosnad al-Imam Ahmad ibn Hanbal*, Cairo: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Ibn Othaymin, Mohammad ibn Saleh. 1983. *Aghidah Ahl al-Sannah wa al-Jamaah (The Belief of the Sunnis)*, Riyadh: Madar al-Watan for Publishing. [in Arabic]
- Ibn Othaymin, Mohammad ibn Saleh. 2005. *Majmu Fatawa wa Rasael (Collection of Rulings and Treatises)*, Riyadh: Al-Thorayya House for Publishing and Distribution. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 1985. *Menhaj al-Sannah (The Method of Sunnah)*, Researched by Mohammad Rashad Salem, Saudi Arabia: Imam Mohammad ibn Saud University, Ghortabah Institute. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 1987. *Al-Tafsir al-Kabir (Great Exegesis)*, Researched by Abd al-Rahman Omayrah, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 1993. *Al-Radd ala al-Manteghiyin (Reply to Logicians)*, Beirut: Lebanese House of Thought. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 2002. *Moghaddameh fi Osul al-Tafsir (Introduction to the Principles of Interpretation)*, Riyadh: Al-Moayyed House. [in Farsi]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 2005. *Majmu Fatawa Sheikh al-Islam (Collection of Fatwas of Sheikh al-Islam)*, Beirut: Al-Roshd Press. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 2006. *Dar Taaroz al-Aghl wa al-Naghl (Warding off the Conflict of Reason and Tradition)*, Riyadh: Al-Roshd Press, Publishers. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 2006. *Ghaedah al-Jalilah fi al-Tawassol wa al-Wasilah (The Venerable Rule in Supplication and Means)*, Beirut: Arabic Book House. [in Arabic]

- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. n.d. a. *Eghteza al-Serat al-Mostaghim le Mokhalafah Ashab al-Jahim (Requiring the Straight Path to Disobey the People of Hell)*, Researched by Naser ibn Abd al-Karim, Riyadh: Al-Roshd Press. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. n.d. b. *Mokhtasar Menhaj al-Sunnah (The Summary of the Method of Sunnah)*, Summerized by Abdollah Ghaniman, Translated by Eshagh Dabiri, Medina: n.pub. [in Arabic]
- Khatib, Mohammad Ewaz. 2002. *Al-Wahhabiyah, Fekran wa Momaresah (Wahhabism, Its Thought and Practice)*, Beirut: Al-Ghadir Center. [in Arabic]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 1986. *Al-Kafi*, Researched & Edited by Ali Akbar Ghaffari & Mohammad Akhundi, Tehran: Islamic Books House, vol. 4. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1982. *Behar al-Anwar (Oceans of Lights)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Maleki, Hasan ibn Farhan. 2013. *Jozur Daesh, Gheraat fi Torath al-Wahhabiyah wa Olama al-Soudiyah (The Roots of ISIS, Research in the Heritage of Wahhabism and Saudi Scholars)*, Beirut: House of White Path. [in Arabic]
- Mashabi, Abd al-Majid ibn Salem. 1997. *Manhaj Ibn Taymiyyah fi Masaleh al-Takfir (Ibn Taymiyyah's Approach to the Excommunication)*, Riyadh: Institute of Predecessor Lights. [in Arabic]
- Mohammad Nasir, Ameneh. n.d. *Al-Sheik al-Imam Mohammad ibn Abd al-Wahhab wa Manhajoh fi Mabaheth al-Aghidah (Sheikh Imam Mohammad ibn Abd al-Wahhab and His Method in the Issues of Faith)*, n.p: Al-Maktabah al-Shamelah. [in Arabic]
- Motahari, Mortaza. 2010. *Majmueh Athar (Collection of Works)*, Qom: Sadra, Computer Research Center of Islamic Sciences. [in Farsi]
- Mottaghi al-Hendi, Ali ibn Hesam al-Din. 1988. *Kanz al-Ommal fi Sonan al-Aghwal wa al-Afaal (The Treasure of Workers in the Tradition of Words and Deeds)*, Researched by Bakri Hayani & Safwah al-Sagha, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Mowayshir, Mashal Abd al-Rahman. 2015. *Al-Erhab wa Atharoh be al-Elaghat al-Dowaliyah (Terrorism and Its Effects on International Relations)*, Beirut: Arab House for Science Publishers. [in Arabic]
- Neysaburi, Moslem ibn Hajjaj. 1986. *Sahih Moslem*, Beirut: Ezz al-Din Institute. [in Arabic]

- Ragheb Isfahani, Hosayn ibn Mohammad. 1991. *Mofradat Alfaz al-Quran (Dictionary of Quranic Terms)*, Beirut: Al-Shamiyah House. [in Arabic]
- Saleh, Sad al-Din al-Sayyed. 1999. *Al-Feragh wa al-Jamaat al-Islamiyah al-Moaserah wa Jozuroha al-Tarikhiyah (Contemporary Islamic Sects and Groups and Their Historical Roots)*, n.p: Ahad House. [in Arabic]
- Shahrestani, Mohammad ibn Abd al-Karim. 1985. *Al-Melal wa al-Nehal (Nations & Schools)*, Qom: Sharif Razi Publications. [in Arabic]
- Sharawi, Mohammad Motewalli. 2010. *Ettabeu wa La Tabtadeu fa Ghad Kofitom (Follow and Do not Innovate, for You Have Been Sufficient)*, Beirut: Modern Publication. [in Arabic]
- Shokri, Mostafa. n.d. a. *Al-Tabyin (Clarification)*, Manuscript, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Shokri, Mostafa. n.d. b. *Al-Hojjiyat (Authorities)*, Manuscript, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Shryock, Andrew. 2010. *Islamophobia: Beyond the Politics of Enemy and Friend*, Indiana: Indiana University Press.
- Sisi, Mohammad. 2009. *Madrasah al-Salafiyah fi al-Tafsir (The Salafi School of Interpretation)*, Cairo: Al-Salam House. [in Arabic]
- Sposito, John L. 1995. *The Oxford of Modern Islamic World*, London: Oxford University Press.
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1991. *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Comprehensive Statement on the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Knowledge House. [in Arabic]
- Tabarsi, Abu Mansur. 1982. *Al-Ehtejaj (Arguments)*, Mashhad: Mortaza Publication. [in Arabic]
- Zalum, Abd al-Hagh. 2011. *Al-Rabi al-Arabi Thawrah am Fawza Ghayr Khallaghah (Arab Spring, Revolution or Uncreative Chaos?)*, Beirut: Al-Taliah House. [in Arabic]